

تحلیل ادراکات روستاییان از پیشرفت زندگی، و ابعاد و موانع آن (مطالعه موردی: روستای دوساری دشت جیرفت)

عبدالرضا رکن‌الدین افتخاری - دانشیار جغرافیا، دانشگاه تربیت مدرس و عضو قطب علمی برنامه‌ریزی

روستایی دانشگاه تهران

سیدعلی بدری - استادیار گروه جغرافیا، دانشگاه تهران

ابوذر پایدار* - دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه تربیت مدرس تهران

علی‌اصغر سوادی - کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه تربیت مدرس

دریافت مقاله: ۱۳۹۰/۶/۱۴ پذیرش نهایی: ۱۳۹۱/۲/۱۳

چکیده

مفهوم پیشرفت زندگی روستایی مفهومی کاملاً معین و یا برعکس کاملاً خام نیست، بلکه ابعاد، محرکات و موانع چندگانه‌ای دارد. از آنجا که ادراکات و انگیزه‌های پیشرفت مردم متنوع‌اند پیشرفت زندگی نیز در نظر روستاییان مفهومی نسبی، نامعین و نامنظم دارد. بنابراین در بررسی چنین موضوعاتی، برای اینکه هر دو جنبه جغرافیای ذهنی و عینی رعایت شود بایستی به ادراکات و تصورات روستاییان رجوع کرد، زیرا ادراکات منعکس‌کننده واقعیت‌های عینی و ذهنی به همراه یکدیگرند. با توجه به چنین مبنای نظری، نمی‌توان با یکی از روش‌های کمی یا کیفی به شناسایی ابعاد و مؤلفه‌های واقعی و اساسی ادراکات مردم دست یافت. از این رو مقاله حاضر، ترکیبی از مصاحبه اکتشافی (روش کیفی)، و تکنیک آماری تحلیل عاملی را به کار گرفته، منتها در این نوع تحلیل عاملی به جای تأکید بر متغیرها بر افراد و دسته‌بندی خود جامعه نمونه تأکید ورزیده است، به گونه‌ای که افراد در ارتباط با یکدیگر قرار داده می‌شوند و نه متغیرها. جامعه نمونه شامل ۲۵ نفر از افراد باسواد روستا در مرحله نخست تحقیق و ۷۰ نفر در مرحله دوم است. نتایج به‌دست‌آمده از تحقیق در پایان به دست کارشناسان و مسئولان روستا کارشناسی شد. روش‌شناسی تحقیق به گونه‌ای انتخاب شده است که بتواند ذهن مردم و کارشناسان را درگیر کند و به‌ویژه به مردم عادی نقش فعال دهد. نتایج تحقیق نشان داد که ادراکات مردم روستای دوساری در مورد پیشرفت زندگی در ۴ دسته اصلی جای می‌گیرند: دید شاعرانه و رمانتیک، دید پیشرفت‌گرایانه همراه با توجه به ساختارها (دید اصلاح‌گرایانه)، دید پیشرفت‌گرایانه بدون توجه به وجود ساختارها، و دید محافظه‌کارانه. **کلیدواژه‌ها:** ادراکات روستاییان، پیشرفت زندگی، روش ترکیبی، روستای دوساری، دشت جیرفت.

مقدمه

مفهوم پیشرفت زندگی روستایی مفهومی نسبی، نامعین و نامنظم است. در بسیاری از پژوهش‌های توسعه روستایی سطح توسعه و پیشرفت زندگی روستایی، عمدتاً با روش‌های کمی سنجیده می‌شود. شاخص‌ها و معرف‌هایی که از قبل تعیین و فهرست شده‌اند، با ورود به روستاها در میان مردم توزیع و پس از اندک زمانی جمع‌آوری می‌شوند، داده‌های جمع‌آوری شده با مجموعه‌ای از روش‌های کمی پردازش و تحلیل می‌شود و نتایجی که تا حد زیادی مبتنی بر واقعیت‌ها نیستند به دست می‌آید. عیب اصلی روش کار مذکور در این است که ذهن روستاییان درگیر نمی‌شود و در واقع روستاییان نقش انفعالی دارند. مهم‌تر اینکه موفقیت در تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی برای پیشرفت روستاها، وابسته به این است که در همه مراحل، به جامعه هدف نقش فعال داده شود و نه انفعالی. تمرکز در سازمان‌های متولی تحقیقات، تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی و تنوع این سازمان‌ها از جمله معضلاتی است که مانع تحقق مشارکت مردم امر مطرح کردن و عینیت‌بخشی به تصورات و ادراکات آنها می‌گردد. می‌توان گفت امروزه دولت تمامی وظایف اجرایی و تصمیم‌گیری مربوط به روستاها را برعهده دارد، چون مردم و تشکیلات مردمی وابسته به دولت هستند و در عمل شرایط و زمینه اظهارنظر و تصمیم‌گیری مردم فراهم نیست (طالب و نجفی، ۱۳۸۹، ۳۳). وقتی چند نفر در یک اتاق می‌نشینند چه می‌دانند در یک روستای دورافتاده در کرمان، سیستان و مانند آن چه می‌گذرد، مشکلات، نیازها و اولویت‌های مردم چیست و چگونه می‌توان برای آنها برنامه‌ریزی کرد (فیروزنیا و افتخاری، ۱۳۸۲، ۴۳). مسائل، مشکلات و موانعی که مردم ادراک می‌کنند، یا مبتنی بر ذهنیات‌شان و یا مبتنی بر واقعیت‌های عینی و تجربی است که در محیط زندگی آنها حاکم است. در هر حال ادراکات و تصورات مردمی که در یک مکان زندگی می‌کنند بایستی کشف، طبقه‌بندی و تحلیل شوند. ادراکاتی که ذهنی هستند و بدون اینکه مبنای واقعی داشته باشند به اذهان مردم راه می‌یابند، بایستی کشف شوند و به‌ویژه از طریق آموزش، اطلاع‌رسانی و توجه‌گری کوشش شود تا تأثیر آنها بر زندگی و آینده مردم کاهش یابد و یا از بین برود. ادراکاتی که مبنای عینی و واقعی دارند بایستی مورد احترام واقع شوند و مسئولان در مسیر

عملیاتی کردن و پاسخ دادن به آنها قرار گیرند. به طور خلاصه، هدف تحقیق حاضر بررسی مفهوم پیشرفت زندگی، ابعاد، زمینه‌ها و به‌ویژه محدودیت‌ها و موانع ساختاری موجود در ادراکات ذهنی و عینی مردم روستای دوساری است.

مروری بر پیشینه تحقیق

روستاییان نیز همانند دیگر اقشار جامعه همواره پیشرفت زندگی، و محرکات و موانع آن را در نظر دارند. در این باره دو رویکرد وجود دارد. نخست اینکه آیا پیشرفت در ذهنیت‌های فردی آن چنان متغیر و متفاوت است که نمی‌توان هیچ شکل تعمیم‌یافته‌ای از آن را ارائه کرد و یا اینکه می‌توان ذهنیت فردی از پیشرفت، را تحت تأثیر مجموعه‌ای از عوامل بیرونی دانست تا جایی که خود فرد نادیده گرفته شود و با توجه به عوامل بیرونی شکل‌دهنده ادراکات، مجموعه‌ای از ادراکات مشترک، کاملاً عام و مشابه را انتظار داشت. هر دو رویکرد کاستی‌های روش‌شناسی جدی دارند: رویکرد نخست محدود به کشف ذهنیت به صورت عمیق است و رویکرد دوم به مفهوم ذهن و ذهنیت بی‌اعتناست و به صورت سطحی، ذهنیت را بازتاب ساختارها و نیروهای بیرونی برمی‌شمارد.

در چارچوب رهیافت ترکیبی، از دیدگاه عظیمی اعتقاد بر این است که توسعه و پیشرفت عبارت است از بازسازی جامعه و فضا بر اساس ادراکات محیطی مبتنی بر علم‌باوری، اندیشه‌باوری و آینده‌باوری (فیروزنیا و افتخاری، ۱۳۸۲، ۴۳). هر انسانی دنیای منحصر به فردی از ادراکات و تصورات دارد که از آگاهی‌ها و تجربیات وی نشأت می‌گیرند، همچنین مجموعه‌ای الگوهای ادراکی مشابه در میان افراد در جامعه حاکم است که می‌توان آن را فرمول‌بندی کرد (شکوئی، ۱۳۸۸، ۱۴۶). به همین دلیل کیفیت زندگی روستاییان تحت تأثیر ادراکات و تجربیات روستاییان از مکان زندگی‌شان قرار دارد (رضوانی و همکاران، ۱۳۸۸، ۷). اما برای اینکه بتوان انسان اندیشنده روستایی را در کانون تحلیل‌های جغرافیایی قرار داد و در پی شناخت نقشه‌های ذهنی مردم (روستا) و ادراکات عمیق آنها در مورد مکان‌ها برآمد (شکوئی، ۱۳۸۸، ۱۱) بایستی در تحلیل ادراکات نوعی روش‌شناسی را برگزید که جغرافیای شخصی و

عمومی مردم را در کنار هم متبلور کند. حاصل این کار کشف الگوهایی است که نشان می‌دهد مردم چگونه ادراک می‌کنند، سپس واکنش مطلوب نشان می‌دهند و در نهایت بر محیط خود اثر می‌گذارند. روش‌های ترکیبی تحقیق این قابلیت را دارند که به پژوهشگران کمک کنند تا در تحلیل ادراکات مردم در دو ورطه افراطی (تعمیم مطلق، یا برعکس خاص بودن ادراکات) نیفتند. تا کنون در مطالعات روستایی استفاده از روش‌های پوزیتیویستی در انجام پژوهش بیشتر رایج بود؛ آنچه که کلاک^۱ در سال ۱۹۹۷ آن را "نوعی خرافه‌پرستی به کمک داده‌های عددی"^۲ می‌داند.

اگرچه گفته می‌شود سلطه پوزیتیویسم بر این علم کاهش یافته است، اما به دلیل برخی مزایای نسبی آن، هنوز هم پژوهشگران آماری از این پایگاه مسلط لذت می‌برند. امروزه، تغییرات و چرخش‌هایی نیز در روش‌شناسی پدید آمده است. با چنین تغییراتی تقیدهای مرتبط با روایی و پایایی داده‌های عددی مورد تشکیک واقع شده است. در سال ۱۹۹۲ فیلوکراس^۳ مقاله‌ای با نام "جغرافیای روستایی مورد غفلت واقع شده"^۴ منتشر ساخت که در آن موضوع علم اجتماعی روستایی مطرح شد. در این مقاله و مقاله‌های بعد از آن مفاهیمی چون هویت روستایی، قدرت، نابرابری و تنوع مورد بحث واقع شد. انعکاس چنین نقد و تجدیدنظرهایی، تغییر زمینه بنیانی را در علم روستایی در پی داشت، و در واقع نوعی تغییر پارادایمی رخ داد (Josephine Previte, 2007, 135). با این توصیف می‌توان گفت که ادراک نوعی فرآیند آگاهی است که در نتیجه اطلاعات دریافت‌شده از دنیای واقعی (محیط طبیعی و انسانی) به وسیله دریافت‌کننده‌های ادراکی در ذهن فرد ضبط می‌شود. این ادراکات تحت تأثیر عوامل سیاسی، اجتماعی، سازمانی - نهادی، و محیط انسان‌ساخت قرار دارند (شکوئی، ۱۳۸۲، ۱۲۶). بررسی ادراکات انسان در فضاهای روستایی مد نظر بسیاری از صاحب‌نظران قرار گرفته

-
1. Paul Cloke
 2. fetishism' with numeric data
 3. Chris Philo
 4. Neglected rural geographies

است. انسان‌ها در محیط زندگی‌شان بیشتر ادراک ذهن‌گرایانه دارند تا عینی. بدین ترتیب انسان‌ها در مورد محیط زندگی خود بیشتر بر اساس اعتقادات و نگرش‌های ذهنی‌شان عمل می‌کنند تا بر اساس اطلاعاتی که جنبه عینی دارند (بهفروز، ۱۳۷۵، ۳۴). مطالعات نشان می‌دهد که توجه به ادراکات انسان در فضاهای روستایی مد نظر بسیاری از صاحب‌نظران در چارچوب مکتب رفتارگرایی قرار گرفته است. بدین معنی، مکتب جغرافیای رفتار فضایی بیش از همه از روانشناسی - به‌ویژه مکتب رفتارگرایی - بهره‌مند بوده و در این میان بیش از همه از تفکرات بی. اف. اسکینر و جورج برکلی تأثیر پذیرفته است. اسکینر علل رفتار آدمی را در محیط جست‌وجو می‌کند و برای حل مشکلات انسان، تکنولوژی رفتار را پیشنهاد می‌کند. از نظر وی تکنولوژی رفتار علمی است که کنترل و نظارت بر محیط را در راه هدف‌های مورد نیاز اجتماع دنبال می‌کند. وی می‌افزاید که محیط اجتماعی، به رفتار کسانی که در جامعه زندگی می‌کنند شکل می‌بخشد و از آن مراقبت می‌کند. مردم در جاهای مختلف به‌شدت با یکدیگر فرق دارند و این تفاوت ناشی از متفاوت بودن محل زندگی آنها است. به نظر وی انسان تحت تأثیر عوامل درونی و بیرونی دست به رفتار می‌زند. در علوم جغرافیایی، بر شناخت محیط به منظور بهره‌گیری بهینه انسان از محیط و تحلیل رفتار انسان در محیط تأکید شده است.

برای جغرافی‌دانان تصویر ذهنی به منزله میانجی میان انسان و محیط عمل می‌کند، بدین‌سان که در جغرافیای شخصی افراد و گروه‌ها در جست‌وجوی اطلاعاتی از تصویر ذهنی‌شان برمی‌آیند تا هم‌شکلی و هم‌خوانی آن را با جهان عینی و واقعی ببابند. در واقع روانشناسی تصویر ذهنی همان میانجی یا صافی است و پدیده‌های جغرافیایی چیزی است که از این صافی عبور می‌کند (افتخاری و دیگران، ۱۳۸۹، ۱۴۹-۱۴۷). از دیدگاه بهفروز، در ادراک محیطی، به قوه تصمیم‌گیری و نقش فعال و فاعلانه انسان در تغییر محیط جغرافیای اش اهمیت می‌دهند (۱۳۷۷، ۶). از دیدگاه شیتینگ، نقطه عزیمت مکتب رفتارگرایی فضایی در تفسیر سازماندهی فضا و درک قاعده‌مندی آن، افراد، مسیرها و گزینش‌های آنان است. در این شیوه از تفکر، از بینش‌هایی می‌توان یاد کرد که برای ذهنیت‌ها و تصوراتی که از فضا در ذهن خود می‌پردازند اعتباری بسزا قائل‌اند (۱۳۷۷، ۸۸). جان کرتلند رایت جغرافی‌دان امریکایی تأکید دارد که انسان‌ها در محیط خود بر اساس باورهای‌شان عمل می‌کنند. هر جغرافی‌دان بایستی در

مطالعات خویش به تفکرات محیطی همه مردم توجه کند و با مفاهیم ذهنی مردم ارتباط برقرار کند (شکوئی، ۱۳۸۲، ۱۱۲). در این زمینه شهبازی اظهار می‌دارد ادراکات روستاییان در شرایط فعلی کشور، توسعه‌ای و پیشرفت‌گرایانه نیست (۱۳۷۲، ۴). افزاینده نیز بر آن است که ساختارهای فضایی تحت تأثیر ادراکات محیطی و تصمیمات و رفتارهای مرتبط با آن قرار دارد و در نتیجه می‌توان توسعه را بازسازی جامعه بر اساس ادراکات نو و سازنده دانست. بدین معنی که بایستی ادراکات مردم را شناخت و برای آنها جایگاه شایسته‌ای در نظر گرفت، و تصورات و نگرش‌های آنها را دریافت تا در قبال تحقق آنها مسئولیت‌پذیری ایجاد شود. از این روست که امروزه شکاف بین علم و مدیریت روستاها را می‌توان ناشی از کاستی وجود ادراکات توسعه‌ای روستاییان و برنامه‌ریزان مردمی دانست. به سخن دیگر ضرورت دارد، که در مدیریت جامعه روستایی، کشف الگوهای ذهنی و اصلاح آنها مدنظر باشد (افراخته، ۱۳۸۵، ۱۷۴). ادراکاتی که توسعه‌ای هستند و به پیشرفت فضای روستایی کمک می‌کنند می‌بایست مورد احترام واقع شوند و برنامه‌ریزان و مسئولان در پی تحقق آنها برآیند. اما بعضی ادراکات مردم - به دلیل تسلط ساختارهای نامناسب اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و محیطی - محدود، بسته و غیرواقع‌بینانه است. برنامه‌ریزان مردمی بایستی با آموزش و اطلاع‌رسانی مناسب، بی‌اساس بودن این ادراکات و تفکرات را به مردم گوشزد کنند تا مردم در پی اصلاح تصورات و تفکرات و به تبع آن، اصلاح رفتار خویش برآیند.

روش‌شناسی ترکیبی در مطالعات روستایی

به طور معمول، پژوهش روستایی به رویکرد روش‌شناسانه‌اش بستگی دارد. همان طور که مبانی و رویکردهای نظری در مسیر تحول و تکامل هر شاخه علمی تغییر می‌کنند، رویکردهای روش‌شناسی نیز می‌بایست مورد بازبینی قرار گیرند و در زمینه حل مسائل عملی جامعه انسانی با توجه به مقتضیات زمانی - مکانی روزآمد، سازگار و پاسخگو شوند (Josephine Previte et. al, 2007, 132). روش‌های کمی که بعد از دهه ۱۹۵۰ متداول گردید، دوگانگی‌های جدی‌ای را در روش‌های پژوهش علوم انسانی پدید آورد (ایان‌های، ۱۳۸۸، ۲۱۹). روش‌های کمی از نظر

هستی‌شناسی معتقد به درک واقعیت به صورت عینی بودند و پیروان این روش‌ها تمایزی آشکار میان دانش عینی و ذهنی قائل می‌شوند. به منظور حفظ چنین تمایزی، پیروان روش‌های کمی تلاش می‌کنند تا محقق را از تحقیق‌شونده متمایز سازند. موضوع اصلی در تفکیک میان عینیت و ذهنیت در فرایند پژوهش‌های انسانی، تفکیک میان ارزش‌ها و باورهای برخاسته از یک مکان و زمان خاص و ارزش‌ها و باورهای عام انسانی است. روش‌های کمی در تلاش‌اند تا آن‌چه را که معنا و تعلق به مکان و زمان خاصی دارد، کم‌رنگ سازند (همان، ۲۲۴). ارمغان روش‌های کمی برای پژوهشگر علوم انسانی نظم، پیش‌بینی‌پذیری، امنیت در پژوهش، رفع ابهام و پیروی از قطعیت است (همان، ۳۱۵). مهم‌ترین پیامد اجتماعی روش‌های کمی در علوم انسانی تلاش برای تعمیم‌بخشی و تأکید بر حفظ عینیت در مسائل انسانی است. موضوع بعدی که در روش‌های کمی مکرراً به چشم می‌خورد این است که اگرچه گزاره‌ها به صورت تعمیم‌یافته ارائه می‌گردد، اما مشخص نیست که این گزاره‌ها به وسیله چه کسانی و از چه کسانی استخراج گردیده است. در چنین فرایندی صدای بسیاری از بازندگان جامعه به گوش کسی نمی‌رسد. این مسئله به حذف زمان، مکان و مشارکت‌کنندگان پژوهش منجر می‌گردد (ایان‌های، ۱۳۸۸، ۲۲۰). پیامدهای مذکور به تدریج سبب گردید که روش‌های کیفی مورد توجه قرار گیرند و در حوزه علوم انسانی به عنوان الگوواره (پارادایم) مطرح گردند.

تحقیق کیفی عبارت است از هر نوع تحقیقی که یافته‌هایی را به دست دهد که با شیوه‌هایی غیر از روش‌های آماری یا هرگونه کمی کردن حاصل شده‌اند (آنسلم و جولیت، ۱۳۸۷، ۱۷). درست است که می‌توان بعضی داده‌های کیفی را به شیوه آماری کمی کرد، اما مهم این است که خود تجزیه و تحلیل باید کیفی باشد. در واقع تحلیل کیفی تا حدی گنگ و مغشوش است و ممکن است برای افراد گوناگون معانی متفاوتی داشته باشد (همان، ۲۰). روش‌های کیفی به پژوهشگر این امکان را می‌دهند که خودش یکی از افراد جامعه باشد و به راحتی بتواند فرهنگ و دنیای جامعه مورد مطالعه را کشف کند. در حالی که معمولاً به‌هنگام کاربرد روش‌های کمی، پیش‌فرض‌هایی درباره مفاهیم مناسب و مربوط، و چگونگی تعریف آنها وجود دارد اما روش‌های کیفی را می‌توان به طور عمدی، بدون داشتن نظریه‌ای در ذهن و فقط با بیان مفاهیم حساسیت برانگیز به عنوان راهنما، مورد استفاده قرار داد (نورمن بلیکی، ۱۳۸۴،

۳۱۴). داده‌های کیفی قابلیت وضوح و پیش‌بینی چندانی ندارند و گردآوری آنها ظاهراً نیازمند پژوهشگرانی است که بتوانند با ابهام، پیچیدگی، عدم قطعیت و فقدان کنترل کنار بیایند (همان، ۳۱۵). بنابراین به‌ویژه برای پژوهشگران مبتدی، استفاده از روش‌های کیفی دشوار است. عمده روش‌های تحقیق کیفی این امکان را به پژوهشگر می‌دهد که ارزش‌های فرهنگی، گرایش‌ها و تجربیاتش را در مشاهده خود از واقعیت‌ها دخیل کند. انتقاداتی که درباره روش‌های کمی و کیفی مطرح گردید منجر به پیدایش الگوواره‌های جدیدی در روش‌های تحقیق گردید. پژوهش‌های مبتنی بر روش ترکیبی به عنوان سومین رهیافت تحقیق و یا الگوواره تحقیق مورد پذیرش واقع گردیده‌اند (Greene, 2008, 7). رویکرد روش تحقیق ترکیبی درباره رفتار انسانی نه به صورت پذیرش مطلق فرضیات روش کمی است و نه تصدیق کامل فرضیه‌های روش تحقیق کیفی (Karasa et al, 2009, 914).

در سال‌های اخیر پژوهشگران روستایی شروع به پذیرش ابزارهای روش‌شناختی متفاوت کرده‌اند (Previte et. al., 2007, 135). پژوهش ذهنی در برنامه‌های تحقیق و توسعه به منظور ادراک همه‌جانبه واقعیت‌ها اهمیت بسزایی دارد. روش‌شناسی تحقیق سنتی بر واقعیت‌های عینی و تحلیل و تفسیر آنها تأکید می‌ورزد، اما روش‌های ترکیبی قادرند ادراکات مردم و الگوهای ادراکی را که دیدهای مشابه مردم را نشان می‌دهند کشف و تحلیل کنند (Warnaars and Pradel, 2007, 8). پژوهش حاضر، ترکیبی از دو روش‌شناسی کمی و کیفی را با هم به کار می‌گیرد. به طور خلاصه، تحقیق حاضر پنج مرحله اصلی را پشت سر گذاشته است: ۱- شناخت و تعیین موضوع مورد تحقیق. هنگام بررسی مسئله، ابعاد موضوع باید در ذهن پژوهشگر روشن شوند و پس از شناخت موضوع باید به انسجام فکری در مورد موضوع و ابعاد آن برسد. ۲- انجام مصاحبه اکتشافی. ۳- تعیین عبارات و گویه‌ها (که از مصاحبه اکتشافی حاصل شدند). چون لازم است پژوهشگر در این عبارات با جامعه مورد تحقیق هم‌زبان باشد، از گویه‌های حاصل از مصاحبه‌های اکتشافی استفاده شده است. نمونه‌ای که مورد مصاحبه قرار گرفتند از مردم عادی روستا که سطح سواد خوبی داشتند انتخاب شدند. در این مرحله آیتم‌هایی با طیف لیکرت از موافقت کامل (+۲) تا عدم موافقت کامل (-۲) مورد نظرسنجی واقع شده‌اند. ۴- انجام تحلیل‌های آماری بر روی داده‌های حاصل از مرحله دوم تحقیق. ۵- تحلیل و

تفسیر. در این مرحله نتایج حاصل از مصاحبه اکتشافی، پایش پرسشنامه‌ای و مصاحبه با کارشناسان در ارتباط با هم قرار داده شد و کوشش گردید تفسیری از نتایج انجام شود که هم مبتنی بر احترام به ادراکات مردم (عینی - ذهنی) باشد و هم مبتنی بر نظرات کارشناسانه و واقعیت‌های عینی.

منطقه مورد مطالعه

روستای دوساری با ۵۶۲۰ نفر جمعیت که تقریباً ۶۰ درصد آنها باسواد هستند، در بخش مرکزی شهرستان عنبرآباد استان کرمان، و در طول جغرافیایی ۲۸ درجه و ۲۶ دقیقه شمالی و عرض جغرافیایی ۵۸ درجه و ۵۱ دقیقه شرقی واقع شده است (فرهنگ جغرافیایی آبادی‌های استان کرمان، ۱۳۸۲). روستای دوساری با داشتن موقعیت دشتی و منابع آب و خاک حاصلخیز، زمینه مناسبی را برای توسعه فعالیت‌های کشاورزی فراهم ساخته است. کوه باتولیتی حجت‌آباد و هیئت‌آباد به صورت ال‌مانند در پشت روستا قرار دارد. از زیر این کوه چشمه و قنات‌های دائمی آب می‌جوشد و از محل بیرون آمدن آب در اثر فرسایش انحلالی غارهایی زیبایی ایجاد شده که منظره‌ای جذاب با قابلیت گردشگری را فراهم آورده است. الگوی خانه‌ها در این روستا عمدتاً به صورت مسکن باغی است. از نظر فرهنگی مردم این روستا بسیار همگن هستند و رنگ پوست، اصالت و رفتار آنها یکسان است. تازگی‌ها شهرکی به سمت اراضی مشاعی و باغ‌های حاج تقی قمی یزدی رو به گسترش است که ساخت و بافت شطرنجی دارد و متفاوت از الگوی مسکن باغی قدیمی در حال توسعه است. به دلیل برخورد روستا به کوهستان در شمال و شمال شرق و مسیل حاصل از این کوه در شرق، تنها راه توسعه فیزیکی روستا به سمت اراضی حاج تقی قمی یزدی است که احتمالاً در آینده به مشکلی برای مسئولان محلی و بیرونی تبدیل می‌شود. در زمان حاضر در وزارت کشور، تبدیل روستای دوساری به شهر، تصویب شده است و اگر مشکلات مدیریتی آن رفع شود در آینده به یکی از شهرهای بزرگ جنوب کرمان تبدیل خواهد شد.

در پژوهش حاضر، به منظور انجام مصاحبه اکتشافی ۲۵ نفر از ساکنان روستای دوساری انتخاب شدند. به منظور انجام تحلیل‌های کمی نیز ۷۰ نفر از روستاییان به صورت تصادفی انتخاب شدند، که دو نفر از آنها عضو شورای روستا هستند و همین دو نفر عضو شورا^۱ به عنوان کارشناس^۲ نتایج حاصل از مصاحبه و پرسشنامه‌ها را مورد داوری قرار دادند.

یافته‌های تحقیق

نتایج حاصل از مصاحبه اکتشافی

خلاصه گفته‌های مردم در این قسمت آورده شدند. عبارات چکیده از مصاحبه، طبقه‌بندی و بر این اساس فاکتورهای ۴ گانه استخراج شده‌اند. پژوهشگر بر اساس مطالعات خود توانسته است نگرش‌های مردم در مورد پیشرفت را در ۴ بعد اصلی قرار دهد.

الف) فاکتور A: پیشرفت چیزی جز آرامش روحی و فکری و دور بودن از انواع آلودگی‌ها و افتخار به اینها نیست (نگاه شاعرانه).

به طور خلاصه می‌توان گفت فاکتور A منظری از رضایت، برتری و افتخار را بیان می‌کند، این نه تنها به امنیت حوزه‌های روستایی (آرامش، طبیعت پاک، منظر زیبا و مانند اینها)، بلکه به اصالت، تعلق و خاطرات ساکنان برمی‌گردد.

شخص X: دفتر خاطرات من از این روستا و حوادث آن پر شده است. کل تعلق من به اینجا است. حتی در بدترین شرایط هم نمی‌توانم بگویم روستایم پتانسیل ندارد و عامل عدم پیشرفت است. پیشرفت در شغل، پول و درآمد، هر وقتی که اراده کنیم انجام می‌شود. خداوند همه چیز داده و جای ناشکری نیست. به وضع موجود راضی‌ام.

شخص Q: پیشرفت برای من آرامش فکری و روحی است. به روستا و اطراف آن که می‌نگرم لذت می‌برم. اینجا خانه و باغ در کنار هم هستند. خانه‌ها، تنها خشت و آجرهای خشک و بیجان نیستند. بلبل‌ها برای ما می‌خوانند. سنجاقک‌ها می‌پرند. نخل‌ها سایه پره‌های خود را بر بام و حیاط خانه ما فکنده‌اند. رحمت خدا ثانیه‌ای از ما دور نیست. پول نمی‌خواهم. کلبه‌ای زیبا در اعماق این نخل‌های سر به فلک کشیده داریم. همه چیز با من دوست است پرندگان،

نخل‌ها، آب چشمه و قنات، کوه، باد، همه و همه. اگر از روستایم بروم همه این دوستان صمیمی را از دست می‌دهم.

ب) فاکتور B: سخت است تا بر بعضی از ساختارها فائق آییم (نگاه اصلاح‌گرایانه) و پیشرفت نداریم مگر اینکه این سدها و ساختارها از میان برداشته شوند.

فاکتور B عمدتاً دورنمایی سیاسی را نشان می‌دهد. این فاکتور ساختار سیاسی موجود روستا را، که در آن مسئولان محلی (تصمیم‌گیری و اجرایی) با هم اختلاف دارند و کفایت لازم را ندارند، مورد شکایت قرار می‌دهد و این معضل را مانع اصلی عدم پیشرفت در روستا می‌داند. از طرف دیگر بزرگ‌مالکان و صاحبان نفوذ، سدهای بزرگی در برابر پیشرفت اهالی روستا ایجاد کرده‌اند. این موانع با مسئله زمین و مالکیت آن در مرتبطاند و از آنجا که خوانین و بزرگ‌مالکان همه غیربومی هستند. حساسیت مسئله بیشتر می‌شود. امروزه که مردم در مسیر پیشرفت قرار گرفته‌اند، دریافته‌اند که مهم‌ترین نیاز و مسئله آنها در این مسیر، مسئله زمین (برای مسکن، فعالیت و موارد دیگر) است.

شخص A: من پیشرفت داشته‌ام و پیشرفت من بیشتر علمی بوده است. چون در شهر امکانات بهتری وجود دارد اگر به شهر مهاجرت کنم و ادامه زندگی‌ام را آنجا باشم بیشتر پیشرفت می‌کنم. من هنوز به لحاظ فکری و آرامش به پیشرفت نرسیده‌ام و هنوز دغدغه شغل و تشکیل زندگی دارم. روستای ما پتانسیل‌های زیادی دارد اما این پتانسیل‌ها نمی‌توانند بالفعل شوند و علت اصلی آن بی‌کفایتی و ناهماهنگی مسئولان محلی است.

شخص B: روستای ما قابلیت‌های طبیعی بالایی دارد و ماندن در اینجا معقولانه‌تر است. آرامش و نبود آلودگی و همبستگی مردم از مزیت‌های اصلی روستای بزرگ ماست که فکر نمی‌کنم در هیچ روستایی به این بزرگی، یافته شود. به لحاظ اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی پیشرفت داشته‌ام. مهم‌ترین مشکل روستای ما ناتوانی در کشف منابع و برنامه‌ریزی برای استفاده از آنهاست. مهم‌ترین علت آن عدم همکاری مسئولان است.

شخص E: پیشرفت و عقب‌ماندگی ما ۵۰-۵۰ است. ما اینجا آب آشامیدنی خوب نداریم و بیماری‌ها ما را تهدید می‌کنند. فعالیت‌های اقتصادی ما خوب است اما آرامش فکری نداریم، همواره از این می‌ترسیم که آسیبی به دام‌ها و مزارع‌مان برسد و خسارت ببینیم. هرچه قدر به

زمین بدهیم چندین برابر به ما پس می‌دهد. اینجا دو مشکل اصلی ما نبود آب آشامیدنی تمیز و نبود بازار فروش محصولات است. برای ما یک ساختمان مرکز اشتغال‌آفرینی ساخته‌اند که از ۱۰ سال پیش تا کنون بسته است. با پول همین ساختمان می‌شد چاه و مخزن آب روستای ما را درست کنند.

شخص H: مزیت‌های روستای ما منابع آب، زمین و هوای مناسب کشاورزی است. اما مشکل اصلی ما سرمایه‌داران بزرگی هستند که قبلاً زمین‌های کشاورزی مرغوب را صاحب شده‌اند، در حالی که امروزه جوانان ما از نظر زمین مسکونی و کشاورزی با کمبود مواجه هستند. مثلاً یک فرد یزدی ۱۷۲ هکتار از زمین‌های کشاورزی چسبیده به روستای ما را گرفته است که مثل حصاری، مانع پیشرفت کشاورزی و مسکونی روستای ماست و درآمدهای آن تنها به جیب وی می‌رود. مشکل ما فقط خان‌های زمین‌دار است.

شخص J: من یک کشاورز عضو مشاع معذری هستم. حدود اراضی مشاع ما در ابتدا مشخص شده بود اما یک خان در پایین دست ما هست که مقداری از زمین‌های ما را به‌زور مرزبندی کرده است. وی به‌زور این کار را انجام می‌دهد. ما از دولت انتظار داریم در مقابل کت و شلوارها کوتاه نیاید و وقتی ما به اداره‌ای دولتی می‌رویم به ما توجه کنند. این شخص اصالتاً یزدی است و ۳۰ سال پیش این زمین‌ها را گرفت تا کارگاه جعبه‌سازی راه بیندازد، اشتغال ایجاد کند و نیاز منطقه را تأمین کند. اما وی از فضای بعد از انقلاب سوءاستفاده کرد و آنها را به زیر باغ برد. او اکنون زمین لازم برای مسکن به ما نمی‌دهد. روستای ما به این سمت رشد دارد.

شخص L: من در این روستا زندگی کرده، درس خوانده، و کار کرده‌ام و تا به امروز به آن تعلق دارم. روستا به من چیزهای خوب و بد آموخت. خاطرات بدی از بچگی دارم. یک بار نشد که بدون ترس به مدرسه بروم و برگردم. همواره در معرض تهدید بودم - مثل دیگر بچه‌ها. آن چنان در محیط و مسیرهای رفت و برگشت مدرسه احساس ناامنی ذهنی، جسمی، جنسی و ناسزا می‌کردم که سرانجام مدرسه را ترک کردم. آثار منفی آن هنوز در ذهن من هست. به نظر من اگرچه این روستا پتانسیل‌های طبیعی بالایی دارد اما در عوض علت اصلی بدبختی جوانان روستا و علت اینکه آنها به جایی نرسیده‌اند محیط فرهنگی روستاست. کسی از بزرگان ما به این مسئله فکر نمی‌کند و به آن اهمیت نمی‌دهد.

شخص M: درست است که این روستا پتانسیل دارد اما مدیر ندارد. مردم از لحاظ فرهنگ پیشرفت و استفاده از منابع به سطح بالایی نرسیده‌اند. من هر صبح زود بعد از اذان بیدار می‌شوم و زنان روستا را می‌بینم که فوج فوج با وضع فجیعی برای کار سر مزارع زمین‌داران و سرمایه‌داران می‌روند و تا شب بر نمی‌گردند. آیا بدتر از این هم ممکن است؟ این روستا و منابع آب و خاک اطراف آن هرچه هست برای خوانین و سرمایه‌داران است. از مسئولان دولتی و محلی تقاضا داریم برنامه‌ریزی لازم را انجام دهند.

شخص O: روستای ما شهر بشود یا نشود هیچ فرقی نمی‌کند، مگر اینکه امکانات آن بهتر شود. روستا جای خوبی برای زندگی است. قبلاً مردم به اقتصاد خود وابسته بودند و کاملاً رضایت داشتند اما امروزه اقتصاد درهم شکسته است. زنان این روستا سحرگاه می‌روند برای کار روزمزد و شبانگاه برمی‌گردند. قبلاً فقط عده‌ای از مردان نزد خان‌ها کار می‌کردند و غیر ممکن بود که زنی کارگری کند. خوشبختانه اکنون وام‌های دامپروری، کشاورزی، قالی‌بافی و مانند اینها باعث شده است که خیلی از کارگران، به‌خصوص زنان به صورت مستقل و برای خود کار و فعالیت کنند، نه اینکه کارگری کنند.

ج) رضایت از وضع موجود و عدم امکان پیشرفت بیشتر (نگاه محافظه‌کارانه)

در این تصور، مردم از وضع موجود راضی‌اند و به دنبال تغییر وضعیت نیستند.

شخص C: در این روستا هزینه‌های ما نسبت به درآمدمان ۷۰ به ۳۰ است. من در اینجا مسکن مناسبی درست کرده‌ام و به سطح بالایی از سواد و آگاهی رسیده‌ام. به وضع موجود راضی‌ام اما اگر روستای ما به شهر تبدیل شود امکانات رفاهی آن بیشتر می‌شود.

شخص F: (عضو شورای روستا - پاسخ وی همراه با غلط‌های املائی‌اش آمده است): بله روستیان خودمان را خیلی دوست دارم چون از فرهنگ خیلی خوبی برخوردار هستند. روستای ما نسبت به دیگر روستاها از امکانات خوبی برخوردار نیست. قابلیت روستای ما برای پیشرفت این است که از جمعیت زیادی برخوردار است.

شخص G: پیشرفت داشته‌ایم اما خیلی زیاد نیست. اگر از روستا برویم زندگی‌مان آشفته می‌شود. از نظر مادی پیشرفت نداشته‌ام و زندگی‌مان ابتدایی است.

شخص P: روستای‌مان را خیلی دوست داریم. روستای‌مان تبدیل به شهر شده است. انشاء..

اگر روستای ما با خسارت و حادثه‌ای روبه‌رو نشود پیشرفت خوبی خواهد داشت. ما مردم توانمندی هستیم و روستایمان توانمند است، اما مسئولان ما توانمند نیستند. با این حال نیز به وضع موجود راضی هستیم.

شخص Z: پیشرفت اقتصادی وجود دارد اما کم است. ولی پیشرفت در پول دلیل بر آرامش و پیشرفت فرهنگی نیست. برای ما همین بس است که دوساری طبیعت، کوه، غار، چشمه، باغ‌های زیبا و بقیه چیزها را دارد. در دوساری اگر پای کسی درد بیاید مثل این است که پای همه مردم درد آمده است. من به چنین سرمایه‌هایی افتخار می‌کنم و راضی هستم.

د) نگاه پیشرفت‌گرایانه بدون نگرستن به موانع موجود (ضد نگاه قبلی)

این نگاه به معنای بی‌اطلاعی از ساختارها و موانع نیست، بلکه به آنها توجه چندانی نشان نمی‌دهد و آنها را قابل رفع می‌داند. یعنی فرد روستایی، در مسیر پیشرفت خود را آن‌قدر توانمند می‌بیند که به ساختارها و موانع نمی‌اندیشد.

شخص V: در زمان حاضر تنها در زمینه تحصیلی پیشرفت کرده‌ام و این پیشرفت را در مسیر رفع محرومیت از روستایم می‌خواهم. چون روستای من امکانات ندارد و محروم است به آرامش فکری نرسیده‌ام. اگر مردم از لحاظ فرهنگی پیشرفت کنند بهتر می‌توانند در حل مشکلات روستا به ما کمک کنند. روستای ما طبیعت زیبایی دارد، اگر مدیریت روستا را بهبود دهیم، مسئولیت‌ها جدید پیدا می‌کند و اختلافات مسئولان حل می‌شود، آنگاه روستای ما پیشرفته و مکان جذب گردشگران و ایرانیگردان می‌شود.

ه) پاسخ‌هایی که تقریباً در همه فاکتورها جای می‌گیرند:

شخص D: پیشرفت نسبی داشته‌ام و در آن مزیت‌های روستا را شریک نمی‌دانم. معلوم نیست که ما از اینجا برویم وضعیتمان بهتر شود یا نه؟ و امکاناتی وجود داشته باشد یا نه؟ من از نظر مغازه و ساخت مسکن پیشرفت داشته‌ام اما از نظر آگاهی و سواد نه. از نظر آرامش خوب است. روستای ما نه پست، نه دادگاه، نه درمانگاه شبانه روزی، و نه آب آشامیدنی مطمئن ندارد.

شخص A: پیشرفت‌های ما از نوع علمی و آگاهی است. ما در اینجا جاهای تفریحی بسیار خوبی داریم مثل چشمه‌هایی که از دل کوه می‌جوشند. اگر بی‌سواد و مشکلات فرهنگی و اجتماعی در روستای ما کاملاً از بین برود توسعه و پیشرفت در روستا محقق می‌شود.

شخص N: در زندگی پیشرفت‌های مادی و معنوی کسب کرده‌ام. در روز بیش از ۲ ساعت مطالعه دارم. اینجا امکانات ورزشی، تفریحی، بهداشتی و مانند اینها محدودند. به لحاظ اجتماعی و فرهنگی پیشرفت‌هایی کسب شده است. مطالعه و کسب علم به انسان آرامش فکری و روحی می‌دهد. من روستاییان را دوست دارم اما امروزه فرهنگ روستایی به سمت فرهنگ شهری تغییر کرده است و خبری از صداقت و گرمی و ارتباطات نیست و گروه‌ها و مردم از یکدیگر فاصله گرفته‌اند. من همواره از نفوذ فرهنگ‌های ناسازگار و غلط می‌ترسم.

شخص R: من پیشرفت تحصیلی، مسکن، شغل داشته و از نظر مادی و معنوی پیشرفت داشته‌ام. تنها مشکل ما آب آشامیدنی است. با وجود مشکلات محدود، دلیل قانع‌کننده‌ای برای رفتن از اینجا نمی‌بینم و به اینجا وابسته هستیم. روستای ما پیشرفت متوسطی دارد. خیلی دوست دارم به شهر تبدیل شود. چون امکانات آن بهتر می‌شود. اگر قرار باشد هریک از ما از روستای مان برویم پس روستای مان برای چه کسی بماند و آن را چه کسی پیشرفت دهد. در زمینه اشتغال کارهای خوبی مانند وام‌های گلخانه، گاوداری، جمع‌آوری شیر و پاستوریزه کردن آن برداشته شده است.

شخص S: در زمینه سواد و آگاهی عمومی پیشرفت مناسبی داشته‌ام. از نظر اقتصادی و اشتغال نیز متوسط بوده است. مطالعه به انسان آرامش فکری و روحی می‌دهد. روستایمان را خیلی دوست دارم. اما امروزه روستاییان نیز مانند شهری‌ها شده‌اند و از هم فاصله گرفته‌اند. و دیگری خبری از آن ارتباط‌های صمیمانه نیست.

شخص U: به لحاظ کشاورزی و دامداری پیشرفت داریم. چون روستایی هستیم از نظر فرهنگی مشکل و محدودیت داریم. ما اکثراً کشاورز هستیم، اگر از روستا برویم معاش‌مان نمی‌گذرد. به سطح بالایی از آرامش فکری و معنوی رسیده‌ام. اینجا مردم با یکدیگر صمیمیت زیادی دارند.

نتایج حاصل از تحلیل‌های کمی و آماری

مطابق جدول ۱، مشاهده می‌شود که ۶ نفر از افراد دیدگاه شاعرانه و رمانتیک داشته‌اند، ۸ نفر دیدگاه اصلاح‌گرایانه داشته و به برخی محدودیت‌ها و ساختارها توجه داشته‌اند و ۵ نفر دید

محافظه‌کارانه و بسته داشته‌اند. افرادی که برای پیشرفت زندگی خویش در دوساری موانع کمی دیده‌اند و به محدودیت‌ها و ساختارها توجه نداشته‌اند ۶ نفرند. لذا افرادی که از ساختارها شکایت دارند بیشترین تعداد را تشکیل می‌دهند. در جدول ۲ که نتیجهٔ پایش کمی در بین ۷۰ نفر است، تعداد آیت‌های درون هر فاکتور و نمرهٔ آن‌ها در جامعه نمونه آمده است. مشاهده می‌شود که افرادی که به شیوه کمی مورد پایش قرار گرفته‌اند با عبارت‌ها و آیت‌هایی که از طریق مصاحبه اکتشافی به دست آمده موافقت داشته‌اند. اما در اینجا نیز، افراد بیشترین امتیاز را به گویه‌هایی داده‌اند که دید ساختارگرایانهٔ آنها را نشان می‌دهد. امتیاز (۱/۸۳) خیلی نزدیک به موافقت کامل افراد با گویه‌هاست.

جدول ۱. ماتریس عناصر استخراج‌شده (جامعه نمونه ۲۵ نفری که سواد بالاتری داشتند)

جامعه نمونه	دید محافظه‌کارانه و بسته	دید اصلاح‌گرایی	دید رمانتیک	دید پیشرفت‌گرایانه، بی‌اعتنا به ساختارها
A	-۰/۰۷۵	۰/۱۲۸	۰/۹۸۹	-۰/۱۲۰
B	۰/۰۰۸	۰/۳۰۵	۰/۹۵۲	-۰/۲۴۳
C	۰/۰۲۳	-۰/۱۰۴	-۰/۹۹۴	۰/۰۳۰
D	-۰/۵۳۹	۰/۳۱۶	۰/۲۰۷	۰/۹۹۴
E	-۰/۰۷۷	۰/۱۳۸	۰/۹۸۷	-۰/۴۱۴
جامعه نمونه	دید محافظه‌کارانه و بسته	دید اصلاح‌گرایی	دید رمانتیک	دید پیشرفت‌گرایانه، بی‌اعتنا به ساختارها
F	-۰/۰۲۳	۰/۸۰۴	-۰/۹۹۴	۰/۲۰۷
G	-۰/۰۷۱	۰/۹۰۷	-۰/۴۱۷	۰/۱۵۴
H	-۰/۹۲۹	۰/۳۰۶	-۰/۲۰۷	۰/۹۹۴
I	۰/۳۶۷	۰/۹۱۷	-۰/۱۵۴	-۰/۳۱۴
J	۰/۱۹۶	۰/۸۱۸	-۰/۹۷۳	-۰/۱۰۷
K	-۰/۳۲۴	۰/۲۵۳	۰/۹۱۲	-۰/۱۸۴
L	-۰/۰۷۷	۰/۱۳۸	۰/۹۸۷	-۰/۷۸۳
M	-۰/۰۴۹	۰/۱۲۱	۰/۹۹۱	-۰/۹۹۴

جامعه نمونه	دید محافظه کارانه و بسته	دید اصلاح‌گرایی	دید رمانتیک	دید پیشرفت‌گرایانه، بی‌اعتنا به ساختارها
N	۰/۰۲۶	۰/۹۴۸	-۰/۳۱۶	-۰/۷۴۶
O	۰/۸۸۱	-۰/۳۴۱	۰/۳۲۷	۰/۴۸۱
P	-۰/۰۱۴	-۰/۲۱۹	-۰/۹۷۶	۰/۱۲۰
Q	۱/۰۰۰	۰/۰۱۷	-۰/۰۰۹	-۰/۷۹۴
R	-۰/۲۶۴	۰/۹۶۴	۰/۰۱۱	-۰/۵۱۴
S	-۰/۲۲۱	۰/۹۲۱	۰/۳۲۰	-۰/۲۰۷
T	-۰/۶۹۵	۰/۳۴۸	-۰/۶۲۹	-۰/۲۵۴
U	-۰/۰۵۶	۰/۹۸۴	۰/۱۷۰	-۰/۹۷۳
V	۰/۱۱۳	۰/۹۶۴	۰/۲۴۲	۰/۱۰۰
W	۰/۹۹۷	-۰/۰۱۹	۰/۰۷۹	-۰/۰۳۷
X	۰/۹۶۳	-۰/۰۵۹	-۰/۲۶۲	-۰/۵۰۸
Y	-۰/۰۳۷	-۰/۱۹۰	-۰/۹۸۱	۰/۸۲۰

جدول ۲. نمره‌های گویه‌ها برحسب درجه موافقت (+۲) یا عدم موافقت (-۲) جامعه نمونه

امتیاز آیتم (میانگین ۷۰ نفر)	فاکتور	عبارت‌ها
۱/۲۱۴۳	A	۱- منظره دوساری زیباست، مردم باید بیایند و در کنار ما لذت ببرند.
۱/۷۱۴۳	A	۲- محیط سکونت ما بسیار با آرامش است و خانه‌هایی باصفا داریم.
۱/۸۴۲۹	A	۳- همسایگان بسیار صمیمی‌اند و این سرمایه بزرگی برای ماست.
۱/۳۴۲۹	A	۴- اینجا بچه‌های مان خوشحال‌اند و محیط خوبی برای تربیت آنهاست.
۱/۲۵۷۱	A	۵- دوساری فراموش نمی‌شود - خاطرات خوب زندگی‌ام از اینجااست.
۱/۳۸۵۷	A	۶- وقتی از بیرون به دوساری وارد می‌شوم حس خوبی پیدا می‌کنم.
۰/۹۱۴۳	A	۷- تصور شاعرانه از روستا تنها از سوی کسانی است که معاش‌شان از روستا نیست و روستا را تنها به عنوان یک حوزه سالم برای سکونت انتخاب می‌کنند.

امتیاز آیتم (میانگین ۷۰ نفر)	فاکتور	عبارت‌ها
۱/۸۷۱۴	A	۸- حتی اگر از نظر اقتصادی در فقر به سر می‌بردم به خاطر مزیت‌های طبیعی و سکونت اجدادم در دوساری، به آن افتخار می‌کردم.
۱/۷۷۱۴	A	۹- پیشرفت برای من آرامش فکری و روحی است.
۱/۴۷۱۴	A	۱۰- روابط من و خانواده بزرگ‌ترین سرمایه و پیشرفت برای من است.
۱/۴۷۱۷	A	۱۱- روستا برایم خیلی معنادار است و من خیلی به آن تمایل دارم.
۱/۷۱۴۳	A	۱۲- من هنگام صرف وقت در طبیعت این روستا چیزهایی در مورد خودم یاد می‌گیرم. من خیلی وابسته به طبیعت این روستا هستم.
1/۴۹۷۶	-	فاکتور A
۱/۹۰۰۰	B	۱۳- مشکل روستای ما ناتوانی در کشف منابع و برنامه‌ریزی برای استفاده از آنهاست
۱/۷۱۴۳	B	۱۴- پیشرفت ما و روستایمان با برخی موانع روبه‌روست.
۱/۷۱۴۳	B	۱۵- این ساختارها قابل حذف نیستند و بسیار سخت‌اند.
۱/۹۵۷۱	B	۱۶- مانع اصلی پیشرفت روستای ما مسئولان محلی و دولتی هستند.
۱/۷۵۷۱	B	۱۷- مانع بزرگ دیگر زمین‌داران بزرگ درون و اطراف روستای ماست.
۱/۹۷۱۴	B	۱۸- مانع بزرگ دیگر عدم سرمایه‌گذاری مسئولان در تهیه امکاناتی چون آب آشامیدنی، بهداشت، تفریح و مانند اینهاست.
۱/۶۵۷۱	B	۱۹- زمین اساس پیشرفت است ولی اندازه زمین همه مردم نیز قرار نیست یکسان شود.
۱/۸۴۲۹	B	۲۰- در این روستا در معرض تهدید جسمی و روحی نیستم و فکر می‌کنم می‌توانم اینجا پیشرفت کنم و زندگی در اینجا علت پیشرفت من است.
۱/۹۴۲۹	B	۲۱- درست است که دوساری پتانسیل دارد اما مدیر ندارد. مردم از لحاظ فرهنگ استفاده از منابع و امکانات پیشرفت نکرده‌اند.
۱/۸۴۲۹	B	۲۲- بزرگ‌ترین مشکل ما نبود آب آشامیدنی سالم و قطعی آن است.
۱/۸۳۰۰	-	فاکتور B
۱/۷۲۸۶	C	۲۳- فرهنگ ما اصیل است و در برخورد با شهر و شهرها ممکن است تضعیف شود.

امتیاز آیتم (میانگین ۷۰ نفر)	فاکتور	عبارت‌ها
۱/۷۲۸۶	C	۲۴- دوساری اول نیاز به پیشرفت اقتصادی دارد. فرهنگ، آرامش در درجه دوم اهمیت هستند.
۱/۸۱۴۳	C	۲۵- اگر بخواهیم پیشرفت اقتصادی داشته باشیم باید تنها به تولیدکننده‌ها، سرمایه‌گذاران و نیروهای بومی اجازه فعالیت بدهیم.
۱/۸۸۵۷	C	۲۶- فقط سرمایه‌گذاری در کشاورزی می‌تواند دوساری را پیشرفت دهد.
۱/۷۸۹۳	-	فاکتور C
۱/۶۷۱۴	D	۲۷- بهترین پیشرفت‌های من از نوع علمی و آگاهی است.
۱/۹۱۴۳	D	۲۸- اگر دوساری شهر شود امکانات رفاهی در آن بیشتر می‌شود.
۱/۷۱۴۳	D	۲۹- ارتباط با دیگر مکان‌ها، فرهنگ ما را تقویت می‌کند و رابطه با آنها مانع پیشرفت نیست.
۱/۶۴۲۹	D	۳۰- اگر قرار باشد مردم از دیگر مکان‌ها برای گردشگری به روستای ما بیایند ما از این بابت لذت می‌بریم و با آن موافقیم.
۰/۷۲۸۶	D	۳۱- وجود خان در روستا خوب نیست چون از آنها هیچ سودی به بقیه مردم نمی‌رسد.
۱/۸۷۱۴	D	۳۲- من به لحاظ فکری و آرامش به سطح بالایی از پیشرفت رسیده‌ام.
۱/۸۵۷۱	D	۳۳- هر فرد غیربومی که به دلایلی به روستای ما وارد می‌شود بایستی هم‌رنگ و هم‌فرهنگ ما شود و قوانین اینجا را رعایت کند.
۱/۷۵۷۱	D	۳۴- دوساری مشکل اساسی ندارد و قابلیت دارد در آینده بهترین مکان جذب گردشگران باشد.
۱/۶۱۴۳	D	۳۵- ارتباط با دیگر مکان‌ها، فرهنگ ما را تقویت می‌کند و باعث پیشرفت می‌شود.
۱/۶۱۹۰	-	فاکتور D

نتیجه‌گیری

آنچه را که با تحلیل کیفی در این تحقیق به دست آمده است می‌توان در ۴ فاکتور اصلی خلاصه کرد. با نگاهی به ۴ فاکتور به‌دست‌آمده درمی‌یابیم که اینها در ادراکات مردم، موضوعاتی مرتبط با هم بوده‌اند. در مرحله دوم تحقیق، که تحلیل کمی بر روی آیتم‌ها و فاکتورها انجام گرفت به این نتیجه رسیدیم که مردم تمامی این آیتم‌ها را (که حاصل ادراک تک‌تک شهروندان در مرحله قبل بوده‌اند) در ادراکات خود قبول داشته‌اند و در نتیجه الگوهای ادراکی نزدیک به هم دارند. انحراف معیار پایین پاسخ‌های مردم به هر آیتم نیز دلیلی بر تأیید این واقعیت است. تحلیل‌های تحقیق در مرحله نخست، ۴ فاکتور اصلی را به دست داد و در مرحله دوم تحقیق این نتایج تأیید شد.

در برنامه‌ریزی، مشارکت‌گرایی به عنوان برآیند و توافق گروه‌ها و طبقات برشمرده می‌شود. این مفهوم برای توصیف شکلی از میانجی‌گری منافع به کار می‌رود که در آن تصمیمات کاربری زمین یا تصمیمات تدارک خدمات و امکانات گرفته می‌شود، لذا مسئولان و برنامه‌ریزان محلی میانجی منافع مردم در برابر عناصر بیرونی (دولت بیرونی، سرمایه‌داران و مانند اینها) هستند و در این زمینه لازم است مستقل از رأی و نظر مردم عمل نکنند (Low, 1991, 133). نتایج تحقیق نشان داد که مردم مشکلات اصلی و زیربنایی روستای‌شان را بهتر از مسئولان درک می‌کنند و راه‌های پیشرفت سریع‌تر روستا را بهتر می‌دانند. مردم، به عنوان صاحبان نیازها و امکانات، آسیب‌بینندگان از موانع پیشرفت و منتفع‌شوندگان از پتانسیل‌های موجود و اقدامات انجام‌شده، بهتر از مسئولان می‌توانند اولویت‌ها را تعیین کنند. از نتایج اولیه تحقیق برمی‌آید که در عمل توجهی به مردم و مشارکت آنها نمی‌شود و مردم از این بابت شکایت داشته‌اند. البته مراجعه به دو نفر از شورای روستا - از جمله رئیس شورا - در تأیید و تقویت نتایج تحقیق بسیار کارآمد بود. در واقع تحقیق نیازمند بررسی میزان واقعیت داشتن ادراکات مردم بود. رئیس شورای روستا ابراز داشت که: "تمامی دغدغه‌های مردم بجا و هم‌سو با دیدگاه‌های کارشناسانه است. البته شورا کوشیده است با مردم هم‌فکری داشته باشد و در پی حل مسائل آنها و پاسخ‌گویی به دغدغه‌های آنها برآید. شورا چند فعالیت بزرگ شروع کرده است که نیازهای در اولویت مردم را در آینده تأمین خواهد کرد، از جمله شروع اقدام و سرمایه‌گذاری در حفر چاه

آب آشامیدنی و تلاش برای بازسازی شبکه آب روستا، چانه‌زنی با خوانین زمین‌دار برای اعطا و واگذاری زمین مورد نیاز مسکن، خانه بهداشت، مدرسه و پارک برای روستاییان و جلب موافقت آنها، سرمایه‌گذاری در گردشگری دوساری و موارد دیگر."

با توجه به نظر مردم و اقرار متخصصان روستا به منطقی بودن و واقعی بودن این نظرها می‌توان راهکارهای زیر را در مسیر عملیاتی کردن نهادهای بارز دهنی مردم و زودتر رسیدن به پیشرفت پایدار دوساری ارائه کرد:

- اولویت دادن سرمایه‌گذاری‌های زیربنایی به تأمین آب و تجهیز مراکز بهداشتی شبانه‌روزی روستا، تأمین زیرساخت‌های توسعه صنعت گردشگری روستای دوساری. مؤثرترین اقدام در افزایش بهره‌وری انسان و کاهش فقر، تأمین نیازهایی چون آب، برق و ارتباطات برای همه نواحی روستایی است (مؤمنی و همکاران، ۱۳۸۸، ۱۸).
- به منظور تأمین زمین مسکونی جوانان و جلوگیری از تبدیل باغ‌های مردم به خانه‌های پراکنده در گستره روستا، ضروری است که قسمتی از اراضی حاج تقی قمی یزدی را که مانع توسعه فیزیکی منظم روستاست از مالکیت وی بیرون بیاورند و به کاربری‌های مسکونی، تفریحی، تجاری، بهداشتی و مانند اینها اختصاص دهند؛ زیرا توسعه خانه‌های جدید در لابه‌لای باغ‌های روستا، بافت روستا را به هم می‌ریزد، باغ‌های سر به فلک کشیده نخل و مرکبات را نابود می‌کند، خدمات‌رسانی (آب، برق، تلفن و مانند اینها) را پرهزینه می‌کند، زمینه ناامنی اجتماعی، ترس ذهنی و خطر حشرات و حیوانات را افزایش می‌دهد، دسترسی را سخت‌تر می‌کند و مشکلات دیگر. از طرف دیگر، منبع آب آشامیدنی در بخش مسکونی جدید روستا واقع شده و این بخش به جاده ارتباطی اصلی نزدیک است، بافت فیزیکی شطرنجی و منظمی دارد، و خطوط برق و تلفن از همین سمت به روستا وارد می‌شوند و بسیاری مزایای دیگر.
- توسعه مدارس و مراکز آموزش عالی و فرهنگی، از اولویت‌های اصلی فرهنگ‌سازی و توسعه ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی در این روستا به شمار می‌آید.
- ایجاد کارخانجات و کارگاه‌های تولیدی به عنوان مکمل فعالیت‌های کشاورزی، گامی ضروری در راستای تأمین اشتغال زنان و جوانان روستا به شمار می‌آید.

منابع

آنسلم، استراس و جولیت، کوربین، ۱۳۸۷، اصول روش تحقیق کیفی: نظریه مبنایی، رویه‌ها و شیوه‌ها، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

افراخته، حسن، ۱۳۸۵، نقش ادراک محیطی در توسعه نیافتگی روستایی، جغرافیا و توسعه، ۱۳۳.

افتخاری، عبدالرضا رکن‌الدین، شاهسوندی، اصغر و پورطاهری، مهدی، ۱۳۸۹، تحلیل عوامل مؤثر استرس‌زای کشاورزان، مدرس علوم انسانی، برنامه‌ریزی و آمایش فضا، دوره ۱۴، شماره دوم، صص. ۱۴۹-۱۴۷.

افتخاری، عبدالرضا رکن‌الدین و فیروزنیا، قدیر، ۱۳۸۲، جایگاه روستا در فرآیند توسعه ملی از دیدگاه صاحب‌نظران، مؤسسه توسعه روستایی ایران.

بهبروز، فاطمه، ۱۳۷۴، زمینه‌های غالب در جغرافیای انسانی، انتشارات دانشگاه تهران.

بهبروز، فاطمه، ۱۳۷۷، بررسی ادراک محیطی و رفتار در قلمرو جغرافیای رفتاری و جغرافیای انسانی معاصر، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، در دسترس در پایگاه نورمکس، ۶.

رضوانی، محمدرضا، منصوریان، حسین و احمدی، فاطمه، ۱۳۸۸، ارتقای روستا به شهر و نقش آن در بهبود کیفیت زندگی ساکنان محلی، فصلنامه پژوهش‌های روستایی، تهران، ۷.

شکویی، حسین، ۱۳۸۸، اندیشه‌های نو در فلسفه جغرافیا (ج اول)، انتشارات گیتاشناسی.

شکویی، حسین، ۱۳۸۷، اندیشه‌های نو در فلسفه جغرافیا (ج دوم)، انتشارات گیتاشناسی.

طالب، مهدی و نجفی، زهرا، ۱۳۸۹، آموزه‌هایی از روند مشارکت‌گرایی روستاییان در ایران، فصلنامه پژوهش‌های روستایی، تهران.

شهبازی، اسماعیل، ۱۳۷۲، توسعه و ترویج روستایی، دانشگاه تهران، ۲۳.

شیلینگ، ژاک، ۱۳۷۷، جغرافیا چیست، اقتباس سیروس سهامی، انتشارات محقق، ۸۸.

سازمان جغرافیایی وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح، ۱۳۸۹، فرهنگ جغرافیایی آبادی‌های استان کرمان، شهرستان جیرفت (جلد پنجم)، تهران.

سایت آفتاب، علوم انسانی، تاریخ و جغرافیا، مفهوم‌شناسی نظریه‌پردازی در جغرافیا و ارتباط آن با علوم انسانی، سه شنبه ۲۸ دی ۱۳۸۹، ساعت ۱۰ صبح.

مؤمنی، فرشاد، یوسفی، محمدعلی، مبارک، اصغر، ۱۳۸۸، بررسی عوامل تعیین‌کننده رشد بهره‌وری و فقر در مناطق روستایی ایران، فصلنامه پژوهش‌های روستایی، تهران، ۱۸.

نورمن بلیکی، ۱۳۸۴، طراحی پژوهش‌های اجتماعی، ترجمه: حسن چاوشیان، نشر نی، صص. ۳۱۴-۳۱۵.

های، ایان، ۲۰۱۰، روش‌های تحقیق کیفی در جغرافیای انسانی، ترجمه: احمد پوراحمد و همکاران، انتشارات سمت، تهران، صص. ۲۰-۳۱۳.

Duenckmann Florian, 2010, **The Village in the Mind: Applying Q-methodology to Re-constructing Constructions of Rurality**, Department of geography, university of Bayreuth, Germany, journal of rural study, PP. 286-293.

Fairweather J.R. and K. Klonsky, 2009, **Response to Vanclay et al. on Farming Styles: Q Methodology for Identifying Styles and its Relevance to Extension**, European Society for Rural Sociology, Blackwell Publishing, 9600 Garsington Road, UK Sociologia Ruralis, Vol 49, Number 2, PP. 193-195.

Karasz A. and Theodore M. Singelis, 2009, **Qualitative and Mixed Methods Research in Cross-Cultural Psychology**, Journal of Cross-Cultural Psychology, Volume 40, 6, PP. 914-916.

Low Nicholas, 1991, **Planing, Politics and the State**, Unwin Hyman, London, 33.

Previte, Josephine Barbara Pini and Fiona Haslam-McKenzie, 2007, **Q-Methodology and Rural Research**, European Society for Rural Sociology, Blackwell Publishing Vol 47, Number , PP. 135-137.